

124-77

124-VV

پرونده شماره ۱۲۴

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۱۲۴ - ۷۷

دیوان داوری دعای ایران - ایالات متحده

DUPLICATE
ORIGINAL

«نسخه برابر اصل»

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعای ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
۱۲۶۲ / ۴ / ۱۱	۱۲۴
2 SEP 1983	
۱۲۴	۱۲۴

جان کارل وارنکی اند اسوشی ایتس ،
خواهان ،- و -
بانک ملت ،

خواننده .

حکمحاضران :از طرف خواهان : آقای مایکل ناسبا م ، خانم مریلین ملکوئیان ،
وکلای خواهان ،آقای دیوید بی . ویلکینز ، از شرکت جان کارل وارنک
اندا سوشی ایتس ،از طرف خواننده : آقای محمدکریم اشراق ، قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران
آقای مختاری ، مشاور نماینده رابط ،
آقای انصاری ، از بانک ملت ،
آقای معادی ، وکیل بانک ملت .

همچنین : خانم جیمیسون سلبی ، قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده .

اول - جریان دعوی

جان کارل وارنکی اند اسوشی ایتس ("وارنک") در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) ادعای خود را علیه بانک ملت (بانک سابق تجارت خارجی ایران) به ثبت رسانده، طالب خسارات ناشی از نقض ادعائی قرارداد "اظاهرا" اقدام غیرقانونی بانک ملت در مطالبه یک فقره اعتبار اسنادی، به اضافه بهره و مخارج داوری گردید. بانک ملت ضمن لایحه دفاعیه‌ای که در تاریخ ۳ مارس ۱۹۸۲ (۱۳۶۰) به ثبت رساند هم ادعای رددکرد وهم با بت خساراتی که گویا درنتیجه نقض همان قرارداد توسط وارنکی به خوانده وارد شده، ادعای متقابلی اقامه نمود. بانک ملت در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۲ (۱۳۶۰) اقدام به ثبت یک لایحه دفاعیه تکمیلی کرده و ادعای متقابل دیگری راجع به مالیات مطرح ساخت. وارنک در تاریخ ۲۲ اوریل ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) جوابیه ادعاهای متقابل را به ثبت رساند. بانک ملت ضمن اظهاریه‌ای که در اول سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) شهریور ماه ۱۹۸۲) به ثبت رساند ادعای متقابل بت است. مالیات را مسترد داشته و در صدد اصلاح مبالغ بقیه ادعاهای متقابل برآمد.

پس از برگزاری جلسه استماع مقدماتی در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) شهریور ماه ۱۹۸۲) به طرفین دستور داده شده لوایح و مدارک خود را تسلیم نمایند. وارنکی لایحه‌ای در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) به ثبت رسانده و ضمن آن ادعای خود را از بیش از ۴۳۰،۰۰۰ دلار آمریکا، به ۳۷۳،۵۹۰ دلار تقلیل داد. در ضمن هر دو طرف اقدام به تسلیم مطالع و مدارک بیشتری نمودند.

جلسه استماع در روزهای ۱۷ و ۱۸ فوریه ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) برگزار شد و طی آن بانک ملت مدارک جدیدی ارائه نمود. به وارنک، اجازه داده شده در پاسخ بدآن لایحه توجیهی بعد از استماع تسلیم نمایدو وی در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) فروردینما ۱۳۶۲) این کار را انجام داد. بانک ملت در تاریخ ۲ اوکتبر ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) به ثبت اظهاریه غیر مجازی اقدام نمود. انصاف، نظم و ترتیب در امور و اماکن وارد شدن لطمه به طرف دیگر در این پرونده حکمی کند که دیوان لایحه اخیراً ذکر را نادیده گیرد.

دوم - واقعیات

وارنکی و بانک تجارت خارجی ایران در تاریخ ۲۲ اوریل ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) اردیبهشت ماه ۱۳۵۴) قراردادی منعقد کرده بمنصب موحبد آن وارنکی موافقت کرده جهت احداث ساختمان اداره

مرکزی جدیدبا نگ خدمات آرشیتکتی عرضه نماید . قرارداد مقرر می داشت که خدمات در چهار مرحله صورت پذیرد .

قرار بود که وارنکی در مرحله اول ، تا تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۵ (۱۱ خرداد ۱۳۵۴) مطالعات مربوط به طراحی شماتیک "صورت مخارج احتمالی ساختمان" و اسناد لازم جهت اخذ جواز ساختمان در محل را عرضه کند (مواد ۲ - ۱ - ۱ - ۱ - ۱) .

در مرحله دوم ، قرار بود که وارنکی تا اول ۱۰ مردادماه ۱۳۵۴ ، "نقشه های مرحله ابتدائی کار و مشخصات اولیه ساختمان" ، "نقشه زمین" ، "طرح ساختمانی" ، "اطلاعات کافی طراحی فوری فونداسیون و مشخصات و نقشه های تفصیلی آسانسورها و سیستم های برقی و مکانیکی و موضوعات اساسی مورد نیاز ذیگر" ، و "یک صورت دیگر و مفصل تری از مخارج احتمالی ساختمان را " که براساس سنجش مقداری (كمی) مصالح تهیه شده باشد ، ارائه دهد . (مواد ۱-۱-۶ و ۱-۱-۷) .

در مرحله سوم ، که قرار بود تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ (۱۰ دی ماه ۱۳۵۴) تکمیل گردد ، وارنکی موظف بود که "طرحها و مشخصات نهائی را با ذکر مشروح احتیاجات جهت ساختمان تمام پروژه ، از جمله اطلاعات لازم برای مناقصه" را تسلیم کرده و "درا مرمتناقصه یا مذاکره در باب پیشنهادات و در ... و اگذاری و تهیه قراردادهای ساختمانی به کار فرمایاری دهد" . (مواد ۱-۱-۹ و ۱-۱-۱۲) .

مرحله چهارم قرار بود ^{با} "اعطای قرارداد ساختمان شروع شود" (ماده ۱۱ - ۱ - ۱) و در این مرحله وارنکی متعهد بود "بر پیشرفت پروژه نظارت کرده" و برآس س "مشاهدات وارنکی در محل کار" از "کار فرمایار کار و مکانیکی در محل کار پیمانکار حمایت نماید" . قرار بود که اساسی ناظرانی که وارنکی در محل کار می گمارد جهت تصویب در اختیار کار فرمایار قرارداده شود با این شرط که "هرگاه چنین ناظرانی مورد نیازمی بودند ، آرشیتکت ملزم بود که افراد مذبور را برآس تمام وقت در اختیار قرار دهد" . (ماده ۱۲ - ۱ - ۱) . وارنکی موظف بود که به منظور تعیین میزان قابل پرداخت به پیمانکار ساختمان ، گهگاه پیشرفت کارهای ساختمانی را جهت کار فرمایاری نماید . (ماده ۱۸ - ۱ - ۱) . مرحله نهائی با صدور گواهی پرداخت

نهائی (ماده ۱۴ - ۱ - ۱) پایان می یافت، صدورگواهی مذبورنمی باشد
از "۹۰ روز بعد از تاریخ تکمیل مقرر درقراردادساختمان" تجاوز نماید.
(ماده ۲۲ - ۱ - ۱)

حق الزحمه وارثتی با بت خدمات انجام شده عبارت بود از ۶% هزینه ساختمان ،
حداکثرتا مبلغ ۹۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا وحداکثر مذبور برآس حداکثر هزینه ساختمان
یعنی ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ دلار مندرج در قرارداد محاسبه شده بود (مقدمه قرارداد).

مجموع حق الزحمه به نسبت های زیرجهت هریک از مراحل قرارداد اختصاص داده شده
بود: مرحله اول ۲۰% ، مرحله دوم ۱۵% ، مرحله سوم ۴۰% و مرحله چهارم ۲۵%
(ماده ۲ - ۵). "به منظور رعایت نسبت های " فوق الذکر، قراربودکه پرداخت
واقعی برآس برآورد حق الزحمه کل ، یعنی ۷۹۲،۰۰۰ دلار آمریکا صورت گیرد
(ماده ۲ - ۵). لازم بودکه بت هریک از مراحل پیش پرداختی به میزان ۲۵%
حق الزحمه "در مقابل ضمانت نامه با نکی" کدوا رنگی تامین می شود، داده شود
(مقدمه قرارداد)، و ۷۵% بقیه در پایان هر مرحله پرداخت گردد (ماده ۲ - ۵).

تا دیه تفاوت بین مبالغ پرداختی برآس برآورد حق الزحمه کل "ومبلغ احتسابی
نهائی حق الزحمه واجب الادا ، در موقع امضای قرارداد ساختمان صورت می گرفت ،
و اگر مانده ای باقی بود ، این مبلغ با ید در پایان مرحله نهائی پرداخت می گردید"
(ماده ۲ - ۵).

درقرارداد پیش بینی شده که در صورت نقض قرارداد توسط یک طرف ، طرف دیگر
می تواند با دادن اخطارکتبی سی روزه قرارداد را فسخ نماید. (ماده ۱ - ۶).
بعلاوه ، قرارداد مشعر برآین بودکه "در صورتی که تمام یا قسمی از پروژه متوقف
گردد ، حق الزحمه آرشیتکت بت خدمات انجام شده تا تاریخ دریافت اخطار دائر
بر متوقف شدن پروژه ، قابل پرداخت خواهد بود". (ماده ۲ - ۵). بالاخره ،
قرارداد مقرر می داشت که اختلافات مربوط به قرارداد "از طریق داوری حل و فصل
خواهد گردید". (ماده ۱ - ۹).

کارهای پروژه در اوائل سال ۱۹۷۵ آغاز گردید. در ماه ژانویه ۱۹۷۹ پیش از
آنکه ساختمان تکمیل شود ، به عملیات ساختمانی خاتمه داده شد.

وارنکی ترتیب یک ضمانت نامه با نکی به مبلغ ۸۰،۰۰۰ دلار را ، که بعدا " طبق توافق طرفین به ۵۰،۰۰۰ دلار تقلیل یافت ، توسط یک بانک آمریکائی داد .

وارنکی بعداً متروک شدن عملیات ساختمانی در ۱۹۷۹ آنونیه در پرداخت ۵۰،۰۰۰ دلار ضمانت نامه با نکی دریک دادگاه بخش ایالات متحده آقا مه دعوی نمود . بانک ملت وکیلی جهت دفاع استخدا م کرد . متعاقبا " دادگاه قراری دائر بر منع پرداخت صادر کرد .

سوم - اظهارات طرفین

وارنکی مدعی است که در چارچوب مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ، وی تبعه ایالات متحده بوده و موضوع ادعا مشمول مفاد بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است . وارنکی همچنین مدعی است که خوانده به مفهوم مستفاد از بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی واحدی است تحت کنترل دولت ایران .

ادعا مبتنی بر این نظر وارنکی است که با اینکه وی به کلیه تعهدات خودطبق قرارداد موافقت های مربوط بعدی عمل کرده است ، خوانده با عدم پرداخت کامل حق الزحمه تعهدات قراردادی خود را نقض کرده است . وارنکی کلا" مبلغ ۳۷۳،۵۹۰ دلار خسارت بعلاوه بهره و هزینه های داوری مطالبه می کند .

بانک ملت ادعا را رد می کند . بانک ملت اذعان دارد که از ادائی وجوه مورد مطالبه وارنکی خودداری کرده ، اما معتقد است که نقض قرارداد توسط وارنکی این عدم پرداخت را توجیه می کند

علاوه ، بانک چهار فقره ادعای متقابل مطرح می سازد ، که دو فقره از ادعاهای مذبور مبتنی بر نقض ادعای قرارداد توسط وارنکی است . اولا" ، بانک ادعای ۱۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا با بت حق الزحمه می کند که بانک حسب ادعا به علت قصور وارنکی در عرضه خدمات آرشیتکت ناظر در مرحله چهارم پروژه ، به یک مهندس مشاور ایرانی پرداختهاست که گویا به عنوان آرشیتکت ناظر توسط بانک استخدا م شده بوده است .

ثانیا " ، بانک مدعی است که وارنکی مسئول خساراتی است که حسب ادعا از تاخیر اجرای پروژه قبل از رویدادهای انقلابی در ایران ناشی شده است و تاخیرهای وارنکی در انجام وظیفه باعث متوقف شدن پروژه گردیده است . بانک ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا مطالبه می کند که ۸،۰۰۰،۰۰۰ دلار آن حسب ادعا برای پروژه خرج شده و مبالغ نا مشخص هم به تورم قیمت وازدست دادن سودمنتظره مربوط می شود .

ادعاها متقابل سوم و چهارم مربوط به ضمانت نامه بانکی است که وارنکی ترتیب داده بود . بانک به ترتیب تمام وجه ضمانت نامه به مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا و مبلغی به میزان ۱۴،۰۰۰ دلار آمریکا که حسب ادعا با بت حق الزحمه وکیل جهت دفاع در مقابل اقامه دعوای مورخ ژانویه ۱۹۷۹ وارنکی جهت جلوگیری از پرداخت ضمانت نامه ، متقابل شده است را مطالبه می کند .

در پایان ، بانک با بت مبالغ مزبور بیهوده خواسته و هزینه های داوری خود را مطالبه می کند .

وارنکی مسئولیت در قبال هر یک از ادعاهای متقابل را رد می کند ، اولاً " وارنکی اظهار می دارد حق الزحمه ای که بانک به مهندس مشاور در موقع انجام عملیات ساختمانی پرداخته است ، قابل انتساب به نقض قرارداد از طرف وارنکی نیست .

ثانیا " ، وارنکی عدم تکمیل ساختمان تا ماه ژانویه ۱۹۷۹ را قابل انتساب به تاخیر خودنمی داند .

ثالثا " ، وارنکی مدعی است که ضمانت نامه بانکی مقرر در قرارداد را طرفین برای این منظور پیش بینی کرده بودند که جنبه وثیقه با بت پیش پرداخت جهت هر مرحله را داشته باشد ، و وارنکی کلیه کارهای را که مشمول پیش پرداخت ها می شده است انجام داده ، ولذا وظیفه وی جهت نگاهداری ضمانت نامه در ژانویه ۱۹۷۹ به پایان رسیده است . وارنکی چنین استدلال می کند که بعد از ژانویه ۱۹۷۹ تخلف از وظیفه مزبور امکان نداشته و بنا بر این وی با بت وجه ضمانت نامه مسئولیتی ندارد .

رابعاً "، وارنکی اظهار می دارد از آنجا که وظیفه مربوط به نگاهداری ضمانت نا مه اسقاط شده است، وی این حق را داشت که هر اقدامی را که جهت پایان دادن به اثر ضمانت نا مه لازم بوده است به عمل آورد و درنتیجه مسئول مخارجی نیست که با نک برای دفاع درقبال اقا مدعوی وارنکی برای جلوگیری از پرداخت خواسته، مقبول شده است.

چهارم - صلاحیت

وارنکی مدارکی تسلیم کرده است که ثابت می کند که شرکت مزبوریک شرکت آمریکائی است و مالکیت آن تما ما " به اتباع ایالات متحده تعلق دارد. بنا بر این، وارنکی تبعه ایالات متحده، به ترتیبی که در بیان نیه حل و فصل دعاوی (بند ۱ ماده هفت) تعریف شده، محسوب می شود.

دراینکه بانک ملت طبق آنچه که بند ۱ ماده دو و بند ۳ ماده هفت بیان نیه حل و فصل دعاوی مقرر می دارد و احتمال تحت کنترل دولت ایران ولذا مشمول صلاحیت دیوان است، اختلافی نیست.

موضوع دیگر مربوط به صلاحیت این است که آیا اختلاف در حیطه صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران قرار دارد یا خیر؟ ماده ۹۱ قرار داد مقرر می دارد که اختلافات از طریق داوری حل و فصل شود. دیوان داوری نظر داده است که چنین قیدی، قیدی نیست که " (طبق قرارداد) رسیدگی به اختلافات را مشخصاً در صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران قرار دهد..."، به نحوی که طبق مفاد بند ۱ ماده هفت بیان نیه حل و فصل دعاوی، دیوان داوری را جهت رسیدگی به ادعاء صالح نشمارد. برای نمونه رجوع شود به گیمز اندھیل اینکورپوریتد و توانیر و دیگران، پرونده شماره ۶، قراراعدا ری شماره آی. تی. ۱۱. ۶-۱-اف. تی.

با توجه به مراتب پیش گفته، دیوان داوری خود را جهت رسیدگی به ادعاء وارنکی صالح می شناسد.

سه فقره اول ادعاء متقابل آشکارا از همان "قرارداد، معامله، یا پیش آمدی" که منشاء ادعابوده ناشی می شود و از این رو طبق بند ۱ ماده دو بیان نیه حل و فصل دعاوی

در حیطه ملاحیت دیوان داوری قرار می گیرد. نسبت به محربودن همان شرایط در مورد چهار مین ادعای متقابل که مربوط به هزینه های است که بانک ملت جهت دفاع در برابر اقدام وارنکی جهت اخذ قرارتا مین خواسته متقبل شده است، شک و تردید فراوانی وجود دارد، ولی با توجه به تصمیمات مشروحه زیر، دیوان نیازی نمی بیند که تکلیف این مسئله را تعیین کند.

پنجم - ما هبت دعوی و دعا وی متقابل

۱ - ادعاهای

مسیر احل اول و دوم قرارداد

در اینکه وارنکی خدمات مربوط به مراحل اول و دوم قرارداد را نجام داده است، وطبق ماده ۲ - ۵ قرارداد مبلغ ۲۲۷،۰۰۰ دلار مقدماتاً "جهت این قسمت از کار دریافت داشته است، اختلافی وجود ندارد.

بانک ملت تا تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۸۳ (۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۱) ایرادی نسبت به انجام خدمات توسط وارنکی در مراحل اول و دوم نداشت، در این تاریخ با نک مدعی شد که به علت قصور وارنکی، پروژه از بعضاً جهات به تعویق افتاده و نواقصی داشته است. لیکن، دیوان داوری برای نظر است که با توجه به پرداخت حق الزحمه های دو مرحله اول به وارنکی، اکنون شکوه ایه بانک راجع به اینکه وارنکی در رابطه با مراحل اول و دوم کار خود، قرارداد را نقض کرده است، نمی تواند مسروع باشد.

مبلغ پرداختی اولیه، یعنی ۲۲۷،۰۰۰ دلار، برابر با ۳۵ درصد مبلغی است که در ماده ۲ - ۵ قرارداد "به منظور تقبیط" مقرر شده است. موضوعی که در ارتساط با مراحل اول و دوم باقی می ماند بنت که در محدوده مجموع

۹۰۰،۰۰۰ دلاری کمتر قرارداد مذبور منظور گردیده، آبا وارنکی استحقاق دارد که وجه بیشتری که برآسان هزینه واقعی ساختمان یعنی ۲۸ میلیون دلاری که جهت ساختمان درقرارداد ساختمانی مورخ ۹ مارس ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) منظور گردیده است، دریافت نماید یا خیر؟

ما ده فوق الذکر مقرر می دارد که:

"تفاوت بین ... (پرداخت اولیه) و حق الزحمه احتسابی در موقع امضا قرارداد ساختمان پرداخت خواهد شد، و اگر مانده ای وجود داشته باشد، در باب آن مرحله آخر ادا خواهد شد".

وارنکی چنین استدلال می کند که طبق مفاد این ماده، وی استحقاق دریافت تعدل در پرداختها را از تاریخ ۹ مارس ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) دارد، در صورتی که با نک ملت می گوید که چنین مبالغی تا پایان مرحله آخر قابل پرداخت نخواهد بود.

طرز انشای این ماده رویه مرفت روش نیست، ولی بنظر دیوان منطقاً "با یقین کرد که قرار بود وارنکی حق الزحمه تعديل شده خود را با بت مرحله اول بمgesch معلوم شدن اساس محاسبه ای این پرداخت یا در موقع امضاء قرارداد ساختمان دریافت دارد. بنا بر این، دیوان داوری تفسیر وارنکی را به عنوان تفسیر معقول تری می پذیرد. و در نتیجه در مرحله ۱ و ۲ وارنکی استحقاق آن را دارد که حق الزحمه اضافی از ۹ مارس ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) را دریافت نماید.

وارنکی ادعای دریافت مبلغ دیگری بیزاین ۳۷،۸۰۰ دلار کرده است. این مبلغ باید به بیزاین ۵/۵٪ که با نک ملت می باشد بمحبوب قرارداد (ماده ۱۱۵/۱) با بت مالیات کسر نماید، کاهش داده شود، بنا بر این مبلغ کل قابل پرداخت به وارنکی با بت مراحل اول و دوم ۲۵،۲۲۱ دلار می باشد.

مرحله سوم

در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۷۶ (۶ فروردین ماه ۱۳۵۵) وارنکی مبلغ ۷۹،۲۰۰ دلار را عنوان پیش پرداخت بت کار در مرحله سوم دریافت کرد، و در تاریخ ۱۱ زوئی ۱۹۷۷ (۲۰ تیر ماه ۱۳۵۶) سانک مبلغ ۱۱۷،۶۰۰ دلار دکرسید و اینکی پرداخت سعود. وارنکی اظهار می دارد که متعبدات خود در مرحله سوم عمل کرده و قد

حق الزحمه مربوط به این مرحله را که ۱۶۳,۲۰۰ دلار است مطالبه می کند. از مبلغ مذبور ۱۲۰,۰۰۰ دلار توسط بانک ملت جهت انجام پارهای خدمات کسر گردیده (رجوع شود به مطالب زیر) و مبلغ ۴۳,۲۰۰ دلار دیگر به موجب ماده ۵-۲ قرارداد ادعا شده است.

بانک ملت به علت اینکه وارنکی از انجام وظایفی که طبق قرارداد داشته، قصور کرده است، این ادعا را رد می کند. به طور اخص، اختلاف مربوط به اینست که آیا وارنکی (الف) کلیه طرحهای ساختمانی لازم جهت روپنا را تهیه کرده، (ب) یک بررسی مقداری مشروح به عمل آورده، و (ج) درمذاکرات مربوط به قرارداد ساختمان مساعدت کرده است یا خیر.

هردو طرف مدارک مستند فراوانی تسلیم کرده اند که عمدتاً " شامل تلکس ها و نامه های است که طی سالهای ۱۹۷۸ - ۱۹۷۵ بین آنها ر د و بدل شده است. این مدارک نشان می دهد که اکثر روابط بین طرفین با مشکلاتی همراه بوده است. طرفین درباره تعهداتی که طبق قرارداد برای هر یک از آنها تعیین شده، سوء تفاهمات و اختلاف نظرهای داشته و در موردا جرای قرارداد مشا جراتی داشته اند.

به طور خلاصه، مدارک حاکی است که در مورد مرحله سوم سابق واقعی اختلاف به شرح زیر است. وارنکی طرحهای زیربنا ائی را در دسامبر ۱۹۷۶ و طرح ساختمانی دیگری را در آوریل ۱۹۷۷ تهیه کرد. در ماه مه ۱۹۷۶ وارنکی بررسی مقداری مشروحی را تسلیم کرده نشان می داد که هزینه احتمالی ساختمان به ۳۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار بالغ می گردد. علاوه بر این، در ماه مه ۱۹۷۶ وارنکی با پیمانکاران ساختمانی که می توانستند انجام پروژه را تقبل نمایند، مصاحبه کرده و در تاریخ ۱۲ مه ۱۹۷۶ (۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵) توصیه های خود را ارائه داد. سپس، وارنکی با است بقیه حق الزحمه مربوط به مرحله سوم صورتحسابی ارسال نمود. لیکن، بانک اعلام کرد مدام که وارنکی در مذاکرات و تهیه قرارداد مساعدت ننماید، بررسیهای مقداری دیگری که مورد قبول باشد به عمل نیا ورد و "طرحهای مشروح کارگاه" را که جهت ساختمان در عمل موردنیا زاست ارائه نکند، مبالغ موردا دعائی را که در پایان مرحله سوم واجب الادا می باشند، پرداخت نخواهد کرد.

در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۶ (۲۴ تیرماه ۱۳۵۵) بانک ملت به وارنکی اطلاع دادگم شرکت ج. ا. جونز - فیش بک اندمور را به عنوان پیمانکار ساختمان انتخاب کرده است. به دنبال تشکیل جلساتی بین طرف ها و یک سلسله مکاتبات درباره نکات سه گانه مورد اختلاف مربوط به مرحله سوم، طرف ها در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۷۶ (۲۵ مهرماه ۱۳۵۵) در تهران با هم ملاقات کردند. در با بنتیجه این ملاقات بعداً "اختلاف نظر حاصل شد. بانک طی تلکس مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۷۶ (۸ دیماه ۱۳۵۵) اخطار کرد که قرارداد از تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۷۷ (۲۷ دیماه ۱۳۵۵) فسخ خواهد شد. مذاکراتی که بین طرفین به عمل آمد، منجوب دان شد که فسخ قرارداد برای یک مدت آزمایشی به حالت تعليق درآید و وارنکی طی نامه مورخ ۱۸ فوریه ۱۹۷۷ (۲۸ بهمنماه ۱۳۵۵) شرایط جدیدی را جهت پرداخت مبالغ مربوط به مرحله سوم بپذیرد. طبق شرایط مذکور، قرارشده وارنکی، ضمن کارهای دیگر، تا تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۷۷ (۱۴ اسفندماه ۱۳۵۵) بررسی مقداری جدید و تجدیدنظر شده ای تسلیم نموده، درنهائی کردن قرارداد ساختمان به بانک کمک بیشتری کرده و "قبل از تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۷۷ (۲۲ فروردینماه ۱۳۵۶) نقشه و مشخصات لازم طبق ماده ۹ - ۱ - ۱ را تکمیل نماید". قرارشده طرفین پس از تحقق شرایط مذبور ملاقات و مقادیر قبل پرداخت را تعیین کنند. وارنکی در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۷ (۲۳ اسفندماه ۱۳۵۵) بررسی مقداری جدیدی تسلیم و در تهیه قرارداد معا عدت بیشتری کرد. در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۷۷ (۲۷ فروردینماه ۱۳۵۶) وارنکی نقشه های کارگاهی تیرآهن های ساختمانی را که در احداث ساختمان مورداستفاده قرار می گرفت، تسلیم نمود. بعلاوه، وارنکی تهیه بقیه نقشه های کارگاهی را در قیال ۵۵،۰۰۰ دلار آمریکا که بمحض تحويل قبل پرداخت سودبه یک پیمانکار فرعی و اگذار کرد. پس از مکاتبات در ماه ژوئن ۱۹۷۷ طرفین موافق کردند که بانک مبالغ قبل پرداخت در پایان مرحله سوم را پس از کسر ۱۲۰،۰۰۰ دلار بپردازد، و مبلغ اخیر بتدیری که نقشه های ساختمان تسلیم می گردید، در اختیار وا رنکی قرار گیرد. درنتیجه، بانک در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۷ (۲۰ تیرماه ۱۳۵۶) مبلغ ۱۱۲،۶۰۰ دلار با بت مرحله سوم پرداخت کرد.

طبق مدارک موجود نزد دیوان، دیوان داوری عقیده دارد که این امرکه وارنکی تعهد خود را در مورد "کمک به کار فرما در تحصیل پیشنهادها دات مناقصه یا پیشنهادا نی که مورد

مذاکره قرارگرفته و در... اعطای و تهیه قراردادهای ساختمان " انجام داده ، به اثبات رسیده است . این نتیجه با این واقعیت هم تائید می گردد که در موافقت نامه ماه زوئن ۱۹۷۷ پرداخت بقیه حق الزحمه مربوط به مرحله سوم مشروط به انجام کار دیگری در این زمینه نشده است .

دیوان دا وری در مورد عرضه بورسی مقداری جدید نیز به نتیجه مشابهی می رسد . هیچگونه مدرکی داشت برای اینکه وارنکی در این مورد به تعهدات خود عمل نکرده است ، وجود ندارد ، بر عکس ، مفاد موافقت نامه زوئن ۱۹۷۷ موضع وارنکی داشت برای این را که بورسی مقداری طبق ترتیب موردن توافق طرفین تسلیم گردیده است ، تائید می کند .

بدین ترتیب ، مطلبی که باقی می ماند این است که آیا وارنکی در مورد تهیه نقشه های کارگاه که بانک لازم داشته و وارنکی عرضه آن را تقبل کرده بود ، قصور نموده یا خیر . وارنکی با اتفاق این موافقت نامه رضا یت دادگه تا تحویل نقشه های کارگاه طی مدت احداث ساختمان مبلغ ۱۲۰،۰۰۰ دلار (نزد بانک) باقی بماند . در اینکه نقشه های کارگاه هرگز تحویل نشد ، اختلافی نیست ، زیرا کارهای ساختمانی تا آن حد پیشرفت نکرده اند و وجود این قبیل نقشه ها نیاز باشد . وارنکی می گوید که تهیه نقشه های کارگاه جزو وظایف آرشیتکت نبوده و علت اینکه وارنکی وظیفه مزبور را به عهده گرفت این بوده است که کار فوق العاده ای انجام داده و ازا این رهگذر وصول حق الزحمه های خدماتی را که تا حال انجام داده وجهت آنها صورتحساب تسلیم کرده است ، تضمین نماید . از سوی دیگر ، بانک چنین استدلال می کند که طبق موافقت نامه زوئن ۱۹۷۷ ، مبلغ ۱۲۰،۰۰۰ دلار حق الزحمه نقشه های کارگاه محسوب می شده که قرار بوده است وارنکی تسلیم کند .

دیوان دا وری برای این عقیده است که صرف نظر از اینکه وارنکی طبق قرارداد تعهد داشته یا نداشته ، مفاد این قرار دادن قویا " مشعر برای این است که فی الواقع طرفین موافقت نامه جدیدی منعقد کرده اند وارنکی به موجب آن متعهد شده که در مقابل ۱۲۰،۰۰۰ دلاری که قبل از کسب کرده نقشه های کارگاه را عرضه نماید .

از آنجا که به دلیل متوقف شدن پر روزه که وارنکی مسئولیتی در مرور آن نداشته، امکان تهیه نقشه ها فراهم نبود، وارنکی استحقاق دریافت چنین مبلغی را دارد. معهوداً این مطلب نیز روشن است که متوقف ماندن پر روزه باعث شد که وارنکی از پرداخت ۵۰،۰۰۰ دلاری که می باشد بهمیانکار فرعی بابت باقی مانده نقشه های داده شده باشد. بنابراین، دیوان داوری معتقد است که وارنکی استحقاق دریافت ۷۰،۰۰۰ دلار بابت جبران خسارت واقعی این قسمت از دعوی را دارد.

نظیر پرداخت های مراحل اول و دوم، وارنکی استحقاق دارد که بمحض ماده ۲-۵ قرارداد و نیز با درنظر گرفتن هزینه های واقعی ساختمان، مبلغ دیگری دریافت نماید. این مبلغ به ۴۳،۲۰۰ دلار آمریکا بالغ می شود.

باکسر ۵/۵ درصد بابت مالیات ها (رجوع شود) به مطلبی که در مرور فاز اول و دوم مطرح گردید کل مبلغی که وارنکی بابت کارهای مربوط به مرحله سوم استحقاق دریافت آن را دارد ۱۵۶،۹۷۴ دلار آمریکا است.

به نظر دیوان داوری وارنکی استحقاق دارد که از زانویه ۱۹۷۹ که پر روزه فسخ شده این مبلغ را دریافت نماید.

مرحله چهارم

در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۷ (۲۰ تیرماه ۱۳۵۶) بانک با بت مرحله چهارم مبلغ ۴۹،۵۰۰ دلار به عنوان پیش پرداخت به وارنکی داد.

وارنکی مدعی است که تا موقع متروک شدن پروژه، وی ۵۵٪ وظایف خود مربوط به مرحله چهارم را انجام داده بود. بنا بر این، وارنکی طالب پرداخت مبلغی به میزان ۱۳۵۰۰ دلار آمریکا به اضافه ۵۰۰ دلار آمریکا بابت تعدیل پرداخت طبق ماده ۲-۵ قرارداد، می باشد.

بانک با ذکر اینکه وارنکی در انجام وظیفه خود طبق ماده ۱۷-۱-۱ قرارداد جهت تا میان یک نفر ناظر تمام وقت طبق نظر بانک، قصور و رزیده است، این قسمت ازادعا را رد می کند.

مدارک نشان می دهد که در مکاتبات متعددی که بانک با وارنکی داشته، از وی تقاضای ناظر تمام وقت جهت کار ساختمانی کرده، و کوشش وارنکی برای پیدا کردن چنین ناظری - از جمله کوشش جهت استفاده از نفر ناظر در ایالات متحده - نشان می دهد وارنکی با "لزوم" استخدام یک نفر ناظر تمام وقت به ترتیب مقرر در قرارداد موافق بوده، لیکن مدارک حاکی از آن است که ناظر تمام وقت هرگز استخدام نشده است و بنا بر این، کار وارنکی تا حدی ناقص بوده است. با توجه به این نکته، دیوان داوری معتقد است که بت کار در مرحله چهارم اضافه برآنجه وارنکی تا کنون دریافت داشته است، نباید وجه دیگری به وی پرداخت گردد. لیکن، طبق ماده ۲-۵ قرارداد، وارنکی استحقاق دریافت مبلغ بیشتری را دارد. مبلغ مذبور، پس از کسر مالیات (رجوع شود به بحث فوق در مورد مراحل اول و دوم)، بالغ بر ۶،۳۲۹ دلار می شود که از زمانی ۱۹۷۹ قابل پرداخت بوده است.

۲- ادعاهای متقابل

الف- حق الزحمه نظارت آرشیتکتی

در رابطه با ادعای متقابل مربوط به ۱۰۰،۰۰۰ دلار حق الزحمه پرداختی توسط بانک به مهندس مشاور ایرانی ، دیوان داوری خاطرنشان می سازدکه قرارداد بانک با مشاور مزبور دامنه عمل خیلی وسیعتری داشت و فقط به نظارت برگار ساختمانی محدود نمی شد و منظور از قرارداد مزبور به نحوی که عموما " توصیف می شود عبارت بوده است از "با زرسی دقیق و کامل عملیات ساختمانی مربوط به ساختمان ... " مشاور جهت انجام کارهای درست "تماینده کارفرما" ، از طریق این قرارداد استخاد شده بود و هیچگونه دلیل و شانهای نیست که اتفاقاً داین قرارداد درنتیجه عدم اراده نظارت تمام وقت در محل توسط وارثی ضروری شده بوده . با توجه به این مراتب دیوان داوری دلیلی برای پذیرفتن این ادعای متقابل نمی بیند .

ب- خسارت درنتیجه تاخیر

همانطور که در بالا گفته شد ، بانک در سال ۱۹۷۶ قرارداد راضمن ادعای عدم انجام پاره‌ای از تعهدات قراردادی توسط وارثی ، فسخ کرد . این تعهدات عبارت بودند از ، تحويل نقشه‌ها ، تحويل بررسی تفصیلی مقداری ، و کمک در مذاکرات مربوط به قرارداد ساختمان . به تفاصیل وارثی ، بانک یک مدت " آزمایشی " تعیین کرد که ظرف آن وارثی می باشد برخی از کارهای خود را به اتمام رساند . به استثنای نقشه‌های کارگاه ، کارهای یا دشده متعاقباً " اجرا گردید و ، فسخ قرارداد هرگز عملی نشد . این واقعیت که بانک ملت اطلاعیه فسخ ارسال کرد و نیز مراسلات بعدی فیما بین طرفین حاکی از آنست که وارثی برنا مهذمانی قرارداد در رابطه با مرحله سوم را به طور کامل اجرانکرده بوده است . در رابطه با اجرای مربوط به مرحله چهارم توسط وارثی ، دیوان داوری بر این نظر است که وارثی برخلاف توافق طرفین ناظر تمام وقت اعزام نکرد .

بنابراین ، این سوال پیش می آید که آیا وارثک به واسطه اعمال یا سهل انگاری های خود ، موجب تاخیر در ساختمان پروژه گردیده یا خیر ، واگرچنین بوده ، چه زیانهای مالی از بابت این تاخیر به بانک ملت وارد آمده است .

دیوان داوری معتقد است که دلیل و مدرک قاطع کننده‌ای دال بر مسئولیت وارنگی برای تاخیر در طول مدت پروژه ساختمانی، در دست نیست. به عکس، مدارکی وجود دارد دايربرای ينكه پروژه در نتيجه اوضاع واحوالی که وارنگ نسبت به آنها مسئولیتی نداشت متوقف گردید، مشلا: کمبود سیمان، قطع برق، نبود وسائل. ولو اینکه اثبات شود که وارنگ مسئول تاخیرهای حاصله بوده است، دلیل و مدرکی دايربرای ينكه بانک ملت ازاين تاخیرها متضور شده است وجود ندارد. دیوان داوری دراين رابطه متذکرمي گردد که پروژه در واقع در اوائل سال ۱۹۷۹ توسط بانک به دلایلی که خارج از اختیار وارنگ بوده است، متوقف گردید. و با اين نحو فسخ قرارداد، بانک نمی‌تواند ادعای تاخیرهای قبلی بفرض که اثبات هم بشود، بانک را متضور ساخته است.

نتیجتاً، دیوان داوری دلایلی دايربر متضور شدن بانک بدلیل قصور وارنگی در دست ندارد.

ج - ضمانت نامه بانکی

بانک، دقیقاً "مبناي حقوقی ادعای متقابل سوم و چهارم خود در مورد ضمانت نامه بانکی مسورد لزوم قرارداد را اعلام نکرده است. تنها عبارتی که به موضوع ضمانت نامه بانکی اشاره می‌کند در مقدمه قرارداد یافت می‌شود که به شرح زیر مقرر می‌دارد:

پیش پرداختی معادل (۲۵) بیست و پنج درصد حق الزحمه هر مرحله از کار، در قبل ضمانت نامه در زمانی که به آرشیتکت دستور شروع کارهای مرحله داده می‌شود، صورت خواهد گرفت.

ضمون این عبارت این است که وارنگ وظیفه داشته است ترتیب صدور ضمانت نامه‌ای را به میزانی که تکافوی پیش پرداختهای انجام شده در آغاز هر مرحله را بنماید، داده و نیز این ضمانت نامه را تا خاتمه اجرای خدمات مشمول پیش پرداختها نگهداری کند.

طبق مدارک اثبات شده است که در مورد هرچهار مرحله قرارداد پیش پرداخت هائی انجام شده و اینکی ترتیبات ضمانت نامهای را که تکافوی این پرداخت هارا بینماید، داده است. همانطور که در با لابحث شد، در عین حال روشن است که وارنکی خدماتی را ایفا کرده است که بموجب آن استحقاق دارد دست کم ۲۵ درصد حق الزحمه قابل پرداخت بموجب قرارداد بابت هر مرحله از قرارداد در ادبیات کند. بدنبال ترک پروژه، وارنکی قراری علیه ضمانت نامه تحصیل کرده و بانک نیز پاره‌ای هزینه‌های حقوقی را بابت دفاع از دعوا متحمل گردید.

با توجه به این واقعیات، دیوان داوری قا در به اخذ این نتیجه نیست که این ادعاهای متقابل واجه‌گونه مبنای حقوقی باشند. تعهدات وارنکی بموجب قرارداد، در ارتباط با پیش‌پرداخت‌ها کاملاً ادا شده است. ولواینکه دادگاه بخش ایالات متحده حکم به منع پرداخت ضمانت نامه نداده بود، بانک حقاً نمی‌توانست پرداخت ضمانت نامه را مطالبه کند. با اینکه قرارداد صراحتاً بانک را موظف نمی‌کند که ضمانت نامه را آزاد سازد، به مجرد اینکه اجرای خدماتی که توسط ضمانت نامه تضمین شده بود، خاتمه می‌یافتد، وارنکی حق داشت به هرگونه اقدامی که جهت فسخ اعتبار ضمانت نامه لازم است، متول شود. از این‌رو، وارنکی مسئولیتی چه در مورد وجه ضمانت نامه و چه راجع به هزینه‌های حقوقی بانک بر عهده ندارد. علیه‌ذا، این ادعاهای متقابل مردود شناخته می‌شود.

۳ - خلاصه اصل مبالغ واجب الادا

درنتیجه، به تشخیص دیوان داوری، وارنکی استحقاق دارد که بابت مراحل اول و دوم قرارداد مبلغ ۳۵۷۲۱ دلار، بابت مرحله سوم، مبلغ ۹۷۴،۹۰۶ دلار و بابت مرحله چهارم، مبلغ ۳۷۹،۶ دلار، یعنی کلاً مبلغ ۱۴۹،۰۷۶ دلار آمریکا بابت اصل ادعاهای دریافت نماید.

۴ - بهره مبالغ واجب الادا

به نظر دیوان ، وارکی حق دارد با بت اصل مبالغ واجب الادا جهت مراحل اول و دوم از تاریخ ۹ مارس ۱۹۷۸ (۱۸ اسفندماه ۱۳۵۶) بهره عادله ای به نرخ ۱۰ درصد در سال دریافت دارد و با بت بقیه مبالغ از تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دیماه ۱۳۵۷) تا تاریخی که کارگزار امامی به بانک امین دستور پرداخت مبلغ حکم را صادر نماید ، با یده بهره پرداخت گردد .

۵ - هزینه ها

دیوان داوری معتقد است که با توجه به وضعیت این پرونده ، هر یک از دو طرف با یده زینه های داوری خود را متحمل شود .

پنجم - حکم

دیوان داوری به شرح زیر حکم صادر می نماید :

ادعا های متقابل بانک ملت بدینوسیله مردود شناخته می شود :

خوانده ، بانک ملت متعهد است و با یدمبلغ یکصد و چهل و نه هزار و هفتاد و چهار دلار آمریکا (۱۴۹،۵۷۴ دلار آمریکا) به اضافه بهره به نرخ سالانه ۱۰ درصد از تاریخها مذکور در ذیل تا تاریخی که کارگزار امامی به بانک امین دستور پرداخت از حساب تضمینی را صادر نماید ، به خواهان ، جان کارل وارکی اند اسوشی ایتس بپردازد .

الف - بهره مبلغ ۲۵،۷۲۱ دلار آمریکا از تاریخ ۹ مارس ۱۹۷۸ (۱۸ اسفندماه ۱۳۵۶) ،

ب - بهره مبلغ ۱۱۲،۳۵۳ دلار آمریکا از تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دیماه ۱۳۵۷)

این پرداخت از محل حساب تضمینی که بموحوب بند ۷ بیانیه دولت جمهوری
دموکراتیک و مردمی الجزایر مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) افتتاح
شده، صورت خواهد گرفت.

هریک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

بدینوسیله این حکم جهت ابلاغ به کارگزارانی به ریاست دیوان داوری
تسلیم می‌شود.

لاهه، به تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ برابر با ۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۲

نیلز منگارد

رئیس شعبه یک

بنام خدا

م. جهانگیر ثانی

ریچارد ام. ماسک

توضیحی درباره امضاء نشدن احکام توسط قاضی ثانی

شورهای مربوط به پرونده حاضرها حضوراً عضای آن منگارد، حیانگیرشانی و ماسک، پس از استماع مورخ ۱۷ و ۱۸ فوریه ۱۹۸۳ (۲۸ و ۲۹ بهمن ۱۳۶۱) و پیش از تعطیلات تا بستانی دیوان که در تاریخ ۱۱ زوئن ۱۹۸۳ (۲۱ خردادماه ۱۳۶۲) آغازگردید، برگزارشد. طی جلسه‌نهای شعبه که پیش از آغاز تعطیلات تا بستانی دیوان تشکیل گردید، تصمیم گرفته شد که شعبه‌درا وائل اوت ۱۹۸۳ کار خود را از سرگیرد. برآسان این تصمیم رئیس شعبه‌دیادا داشت مورخ ۱۲ زوئن ۱۹۸۳ (۲۳ خردادماه ۱۳۶۲) خود را صادر کرد و در آن داوران شعبه درخواست نمود روزهای ۸، ۱۰ و ۱۲ و ۱۵ اوت ۱۹۸۳ (بدترتب ۱۷، ۱۹ و ۲۱ مردادماه ۱۳۶۲) را به شورهای شعبه اختصاص دهند، سموح دستور شماره ۱۵ مورخ ۱۵ زوئن ۱۹۸۳ (۲۵ خردادماه ۱۳۶۲) ریاست دیوان، به شعبه‌دواجازه داده شد که تا تاریخ ۲۱ زوئن ۱۹۸۳ (۹ مردادماه ۱۳۶۲) در موادی جمع‌ون درخواست صدور قرارهای موقت یا سایه موضوعات فوری، بحای شعبه‌ها قدام کند. علاوه بر این، طبق برنامه مدرسمی رسیدگی‌های دیوان که در تاریخ ۱۶ زوئن ۱۹۸۳ (۱۶ خردادماه ۱۳۶۲) انتشار یافت، تشکیل جلسه دیوان عمومی در روزهای ۱۷ - ۱۵ اوت ۱۹۸۳ (۲۶ - ۲۴ مردادماه ۱۳۶۲)، حلقات استماع شعبه سه‌در روزهای ۱۸، ۱۹، ۲۵ و ۳۰ اوت (ترتیب ۲۷، ۲۸ مردادماه و ۳ و ۸ شهریور) و یک جلسه استماع مقدماتی در روز اول سپتامبر ۱۹۸۳ (۱۰ شهریور ۱۳۶۲) در نظر گرفته شده بود.

(۲۲ مردادماه ۱۳۶۲) صورت گردد.

ناینده رابط حمهوری اسلامی ایران درنا مه مورخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ (۱۹ مردادماه ۱۳۶۲) خودم دیوان اظهارداشت:

"که قاضی مصطفی جهانگیرثانی، داور ایرانی شعبه دیوان
داوری، استعفای خود را به دولت حمهوری اسلامی ایران تسلیم
کرده و دولت مجبور این استعفار را بذیرفتهاست. استعفای
مورد بحث از تاریخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ قطعیت ساخته و حاشیین ایشان
بموقع خود به دیوان معرفی خواهد شد".

در این نامه از دلائل این استعفا ذکری سیان نیامده است.

رئیس دیوان دستور داد بعضی از جلسات استماع دیوان عمومی که قرار گشود
در روزهای ۱۵ تا ۱۷ آوت ۱۹۸۳ (به ترتیب ۲۴ تا ۲۶ مردادماه ۱۳۶۲) تشکیل
شود، بعد موکول گردد. علاوه بر این رئیس شعبه سرگزاری حلقات خاص
نهائی کردن احکام و شورهای مقرر در هفت آوت ۱۹۸۳ (۱۲ مردادماه ۱۳۶۲)
را ملثی کرد.

قاضی جهانگیرثانی در حله مورخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ (۲۶ مرداد ۱۳۶۲) دیوان
عمومی حضور سافت، در جلسه مورخ ۱۷ آوت ۱۹۸۳ (۲۶ مرداد ۱۳۶۲) دیوان عمومی،
رئیس دیوان اظهارداشت که تا کنون دلائل معتبری برای غیبت قاضی ثانی سه
دیوان واصل نشده و دیوان احازه حتی غبیتی راهه ایشان نداده است.
رئیس دیوان همچنین اعلام داشته که بر عهده شعبه سه دیوان عمومی است که
پیامدهای قانونی این غیبت را در ارتباط با هر کجا زیر و نونهای مطروح نزد
شعبه سه دیوان معین کنند. پس از آن رئیس شعبه سه دستور داده لایحه استماعی
که قرار بود در روزهای ۱۸، ۱۹ و ۲۵ آوت (سد ترتیب ۲۷ و ۲۸ مرداد ۱۳۶۲ شهربور)
وحله استماع مقدماتی که قرار بود در اول ستمبر ۱۵۱ شهریور) تشکیل گردد،
به بعد موکول گشود.

رئیس شعبه سه طی نامه مورخ ۱۸ آوت ۱۹۸۳ (۲۷ مرداد ۱۳۶۲) که از طریق
بست و تلک ارسال شد، قاضی ثانی را از نکات اعلام شده توسط رئیس دیوان
مطلع ساخت و سر زد اطلاع ایشان رساند که بر تا مه حدی تنظیم شده که سوچ

آن از حمله نهائی گردن و امضا حکم این پرونده در تاریخ ۲ سپتامبر (۱۹۸۳) ۱۱ شهریورماه (۱۳۶۲) انجام خواهد شد.

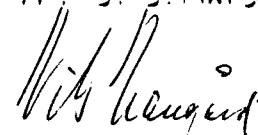
قاضی جهانگیر شناسی در تلکس مورخ ۲۶ آوت (۱۹۸۳) شهریور (۱۳۶۲) خطاب به رئیس شعبه سه وصول نامه مورخ ۱۸ آوت (۱۹۸۳) ۲۲ مرداد (۱۳۶۲) را تاء بید کرد و به رئیس شعبه سه اطلاع داد که از نظر ایشان اعلام استغای ایشان به جمهوری اسلامی ایران قانوناً نسبت به دیوان داوری نیز مجری است و ایشان از این بیان نویساً "محاذ و مختاره شرکت در اختیار می باشد" حکم نمایند. جز "در مورد نظر حقوقی با حکمی که قبلاً ابلاغ یا اعلام شده باشد" ایشان در تبیه و تهیه بیش نویس، با تنظیم و ترتیب آن درگیر بوده است.

نه در این تلکس و نه در تلکس واصله در روز بعد که بد رئیس دیوان خطاب شده بود، قاضی جهانگیر شناسی این نکته را مطرح ساختند که شرکت در حله ۲ سپتامبر (۱۱ شهریور) از لحاظ حسماً برای ایشان ممکن نست.

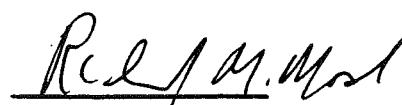
قاضی شناسی در حله امضا حکم این پرونده که در تاریخ ۲ سپتامبر (۱۱ شهریور) در شعبه سه برگزار شد حضور نداشت.

تحت شرایط و اوضاع و احوال فوق الذکر، دیوان برآن تدکه بیان اساس
سند ۴ ماده ۲ قواعد دیوان، کارا مضا حکم را در غایب قاضی جهانگیر شناسی
به بابان برد.

لاهه، ستاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ برای برداشت ۱۱ شهریور ۱۳۶۲


تلکس منعه دارد

رئیس شعبه سه



رسانه دار دام. ماسک